

پاینده باد استقلال ایران

(کتاب) اختناق ایران

ترجمه البراهین الموسوی الشومری
ترجمه از کتاب

استرنک اینک آف پرشیا

تألیف

مؤسسه انتشارات

مستر مورگان شومر امریکائی

خزانه دار سابق دولت علیه ایران

حقوق طبع محفوظ است

۲۶ - ربيع الثانی - ۱۳۳۳ هـ مطابق ۱۳ - مارچ ۱۹۱۵ میلادی

در مطبع جیل المتین واقع در ۱۶۴ بهوبازار استریت کالکته طبع گردید

فهرست مضامین

صفحه	مضمون
۱	تقریظ
۴	دیباچه
۱۳	تمهید
۱۵	مقدمه
	تاریخچه مختصری از اواسط قرن نوزدهم میلادی تا ورود مستشاران امریکائی بطهران
۵۷	باب اول در تصویب دولت ایران انتخاب و جلب مستشاران مالیه را از امریکا و آمدن شان بطهران
۹۱	باب دوم در شرح حالات سیاسی و چگونگی امور مالیه ایران که ماها دیدیم . اقتدارات نئب السلطنه و کابینه و مجلس . مسالك و طریقه دولت و وسائل وصول مالیات . قروض داخلی دولت . استقرضات از اجانب .
۱۵۰	باب سوم در بیان مسلك و طریقه عام النفعی که برای نظم و اصلاحات مالیه اتخاذ شده بود . قانون سیزدهم ژون ۱۹۱۱ . وضع سلوک و روابط دول اجنبیه با دولت ایران . قضیه استوکس . تشکیل ژاندرمری خزانه . غرض اصلی و مقصود حقیقی مبادعه ۱۹۰۷ انگلیس و روس
۱۳۹	باب چهارم اقدام و کوشش محمد علی میرزا شاه مخلوع برای استرداد و بدست آوردن سلطنت ایران . انتریک و مازشها و اغماض روس . اقدامات نظامی برخلاف شاه مخلوع و برادرانش ، فتوحات و کامیابی افواج ملی . مغلوب و مقتول شدن ارشدالدول

- باب پنجم اقدامات نظامی و لشکری برای جلوگیری و دفع ۱۸۱
 شاهزاده سالار الدوله . شکست خوردن مشار الیه از
 قشون دواتی . نتایجی که از ضبط نمودن دوات املاک
 شعاع السلطنه را بعمل آمد . مواد مزاسله خود که
 به تمس لندن نوشته بودم .
- باب ششم اولتیم توم اول دوات روس بدوات ایران . رای
 دادن و نصیحت کردن دوات انگلیس بقبول آن .
 معذرت خواندن دوات ایران . اولتیم توم دوم روس ،
- باب هفتم بلواهای راجعه بامر نان . رد نمودن مجلس اولتیم توم ۲۱۳
 روس را . حمله نمودن و داخل شدن قشون روس
 بایران . تشنه مستعد شدن ایرانیان برای مقابله ومدفعه .
 اقدامات زنان ایران در آن امر . انفصل مجلس بواسطه
 تردستی و چالاکگی بیست و چهارم دسمبر .
- باب هشتم در میزان روابط و تعلقات من با دوات ایران . ۲۴۶
 قل عام (تبریز) و (رشت) و (انزلی) بتوسط قشون
 روس . حرکت و خاج شدن از طهران .
- باب نهم در خصائص و خصائل نائب السلطنه و سایر صاحب ۲۶۷
 منصبان و مأمورین دولتی . مسلك مجلس و اختصاصات
 آن . لیاقت و قابلیت ایرانیان .
- باب دهم میدان دیپلماسی ۱۹۱۱ - اروپا . مسلك انگلیس و ۲۸۱
 روس . معاهده پوتسدام . اتحاد صری روس و آلمان
 لیاقت و قابلیت ایران از حیث قوای جنگی
 اعتراضات سران و اردگری . معاهده انگلیس و روس

- باب یازدهم طریقه وصول مالیات در ایران ، نقشه خود برای
اصلاح و نظم امور مالیه ؛ ترقیات ممکنه و تکمیل راه
آهن ، ثروت طبیعی و منبع اصلی ثروت ،
- باب دوازدهم وقایعی که پس از حرکت مستر شوستر و معاونینش
از ایران بظهور پیوست بانضمام بعضی وقایع متفرقه دیگر
- ضمیمه قانون اساسی مورخه ۱۴ ذیحجه ۱۳۲۴ .
- متمم قانون اساسی مورخه ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ .
- قانون مصوبه سیم ، ۱۹۱۱ راجع به تفاتیش قرضه که
از بانک شاهنشاهی شده بود .
- قانون سیزدهم ژون .
- مکتوب مستر شوستر بروزنامه تمس راجع بمناسبات
دولت ایران با دولتین روس و انگلیس .
- مراسلات ما بین مستر شوستر و سر جارج بارکلی
و پاکلوسکی گزیل و مژور استوکس .
- نطق مستر ه . ف . ب . لینچ عضو کمیته (انجمن)
ایرانیان لندن در چگونگی معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس
- سواد دو (آرتیکل) ووزنامه (نیشن) ملت مطبوعه
لندن نهم دسامبر ۱۹۱۱ - اول آزادی مفقود شده ایران
- دوم ایران در حالت التجا است .
- فاجعه الم انگیز باردمان ارض اقدس رضوی
علی ساکنینا آلف التحیه

﴿ تقریظ ﴾

﴿ مؤیدالامام ﴾

(مدیر روزنامهٔ جبل المتین)

مرافوض امری الی الله می‌توان گفت مفید ترین کتبی که در این دوره از السنهٔ خارجه بزبان عذب البیان فارسی آورده شده همانا ترجمهٔ (مترنگلنگ آف پرشیا - اختناق ایران) است که بدون اغراق آئینهٔ بدل نمای سیاست خارجیان در ایران یا فنوگراف اخلاق و عادات حصهٔ از بزرگان و صاحب اقتداران ملت ایرانیه میباشد .

اختناق ایران را که مستر شوستر امریکائی در واقعات چند ماههٔ مأموریت خود نگاشته غرضش واقعه نویسی و بیان قبائح و مدائح ملت ایرانیه نبوده بلکه مقصود حقیقیش برداشتن پرده از کردار سیاستمدان خارجه در ایران بوده است ، واقفان رهوز میدانند که این نکته برای ایران در آن موقع نازک اشد ضرورت را داشتی چه از یک قرن باین طرف دو همسایهٔ محیه قوی پنجه هماره بهانهٔ پیشقدمی و اجحافات ظالمانهٔ خودشان را بایران عدم قابلیت و لیاقت ایرانیان در مملکت داری و سیاست آرائی جلوه داده و از بس اینگونه مقالات لا طائل را در حق ایرانیان نگاشته و در رسائل و جرائد ماهانه و روزانه استبداد پرورانه اشاعه داده که حتی در نزد آن جماعت انگشت شمار اروپا و امریکا هم که میگویند حس نوع خواهی و انسبایت پروری موجود بودی همدردی ایرانیان را مرتفع دشمنی و در کلهٔ شان جای دادندی

که خوابگاه خیام و فردوسی و جایگاه ابو علی و خواجه طوسی در صورتی قرین انتظام و ارتفاع شوند آمد و مجدد بادیات عالم و سیاحت مدون فائده تواند بخشود که دست غاصبانہ خارجیان بروی وی مانده و از اولاد کیومرث و جمشید و فرزندان فریدون و ارد شیر مانند اسرای هند و زنج بنده وار خدمت گیرند .

دو راد مرد بزرگ اول علامه مستشرق همدرد انسانیت و محب ایران پروفیسر برون در رسائل چند گانه خاصه در (پرشین رولوشن) و دیگر مستر شوستر امریکائی در همین رساله (سترنگلنگ آف پرشیا) این نقش باطل را از قلوب آن قلیل حزب اروپائی و امریکائی حک و بجای آن مجسمه مظالم سیاسیون همسایه را نصب و فرزندان کین را مستوجب همدردی مسلم دشتندی و این خدمتی بود که این دو راد مرد بزرگ فقط از راه حقیقت جوئی و انصاف نوردی بقوه خامه بایران نمودند که با ملیون قشون مسلح ایرانیان را حاصل نتوانستی آمد اشاعه (اختناق ایران) اگر بنظر تعمق دیده شود فقط برای تغییر و تبدیل خیالات باطله عالمان درحق ایرانیان بوده و شاید مستر شوستر تصور هم نمی نمود که يك ایرانی فاضل قدر دان از گوشه دکن بترجمه فارسی این کتاب مستطاب برای اطلاع هموطنان خود خواهد پرداخت (اختناق ایران) را بچهار حصه میتوان تقسیم نمود دو حصه آن در مظالم ننگین روس و انگلیس و حصه سومش در مظلومیت ایرانیان و ثبوت قابلیت و لیاقت آنان برای آزادی مطلقه و حکمرانی در وطن آبائی خویش است فقط يك حصه آن هجو ملیح بزرگان ایران و برخی عادات ناپسندیده و اخلاق نامتوده گروهی از ایرانیان است که آنهم اگر بدیده عبرت نگریسته آید تازیانه زهرش باید گفت

(سترنگلنگ آف پرشیا) در آن موقعی که کشتی سیاست ایران را همسایگان از دو جانب چهار موجه ساخته بودند با سلوپی اشتهای یافتی و پرده از روی اعمال سیاسی شرمگین مسیو سازانوف و سر ادوردگری برداشتی که نتوانستند بیش از آن مظالم را در یک مملکت قدیمه که حق سیاست مدون به تمام کره ارض دارد جاری دارند

اُمّاءه (سترنگلنگ آف پرشیا) بعد از انتشار رسائل عدیده پروفیسر بروجن نظر های دور بین حزب انصاف جوی میاسیون اروپ و امریک را نه تنها بجنب ایران معطوف داشت بلکه ذره ذره حرکت میاسیون این دو همسایه را در ایران موضوع تنقید ارباب حل و عقد قرار داد امیدواریم که ایرانیان این کتاب مستطاب را فقط بنظر حکایت و تسمه ندیده منافع عمده سیاسی و اقتصادی از وی برگیرند ،

(تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجل)

جلال الدین الحسینی

❖ دیباچه ❖

(بنام ایزد دانا)

پس از ستایش پروردگار بی همتا، و درود نامحدود بر خاتم انبیا،
به پیشروی این داستان چنین نغمه سرآنی میبندد که - چون کاجیکان
بی رحم و مروت (حکام مستبد ایرانی) دست جناب بر گلاب
نو رسیده، و غنچه های نشگفته گلستان ایران دراز، و صیادان انسان
صورت دیو سیرت، آشیانه مرغان مرغزار ماسانیان را ویران و لانه
بلبلان گلزار گیان را چون توده خاکستری نموده، در های در بدری
و پریشانی از هر طرف باز، و دوره آوارگی و بی خنمانی ایرانی
آغاز گردید، این ناچیز نیز بحکم پیش آمد و تقدیر سر تسلیم و رضا
در پیش، دوم برج حمل مطابق دوم ماه ربیع الثانی سنه ۱۳۳۰ آخرین
دست وداع را در سرحد شمالی وطن عزیز حرکت داده، از راه
قفقز و اسلامبول و مصر به هندوستان شافته، و بشرف ملاقات خویشان
و دوستان در بلده حیدرآباد دکن نازل شده، بار پر زحمت و محن
سفر را از دوش بیطاقی بر زمین گذاردم

آنم که به پیمانه من ساقی دهر ریزد همه درد درد تلخ آبه زهر
ارقام سنه مذکوره بجهت خوانندگان محترم، خود بهترین شارح
حال مراسم پر ملال، و عرضه دهنده تیار فاجعه انگیزی است که در
ایران شروع گردیده اختتام پیوست -

تو خود حدیث مفصل بخوان از این اجمل

دانشمندان بر آنند که - افراد هر ملتی را واجباتی است که اول عالم بر آن و در ثانی عمل به آن عین فرض و فرض عینی است جهل بواجبات علت المال تمام مقامد و خرابیها است ، که آخر انسان را از انبیاات بشری انداخته ، و استتلال میبایستی را از مات صاب نموده ، و رشته حیات ملی شان قطع شده ، مانند بهائم و حیوانات زمامش بدست دیگران خواهد افتاد ،

ازینقا و تکامل ، انحطاط و تنزل را مسبب ، دانستن ، و ندانستن ، کار کردن ، و خواب خرگوشی نمودن است ،

مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

حیات متضاد اقوام و ملل موجوده این کره تمام مظهر این دو کلمه (سعی و اهمال) بوده و می باشد ، سعی است که انسان را بر طبیعت قهر ، و هرچم بیدق حکمرانیش را در مخفی ترین زوایای عالم به اهتزاز در می آورد ، و اهمال است که همان انسان را در بستر ناتوانی و بنحور بلکه اسیر هوری گردانیده است .

ای چه بسا ملل و اقوامیکه تاریخ ، و فعالیت آنان را با خطوط زرین حاوی بوده ، و حال آنکه همان ملت ، و پرورش یافتگان در همان مملکت ، امروز یا در عداد ملل مرده محسوب ، و یا سر بگریبان غفلت و اهمال فرو برده بوادی عدم رهسپارند :

تحول سعی به اهمال گرچه تا درجه طبیعی بنظر می آید ، ولی بدون شبهه و تردید اراده و خیراهش هم مداخلت تامه درو دارد . کسانیکه قوه مقاومت با طبیعت ، و تطبیق سیر او را با ارادات خود دارند ، با کمال مسهوات می توانند طبیعت را مقهور ، و اهمال را مراجعت بحال سعی دهند . برای بدست آوردن حال هیئت اجتماعی باید رجوع به سیر فردی

نمود ، چه معرفت بحال جزء رهبر شناختن کل است ، کما اینکه سیر حکیمانه و روش عاقلانه يك فرد باعث سعادت ، و عکسش موجب شقاوت او است ، کذا لك سیر حکیمانه و مدبرانه ممتازان يك هیئت اجتماعی سبب حیات و سعادت ابدی ، و عکسش واسطه ممت و شقاوت دائمی آن هیئت اجتماعی خواهد بود .

ناامیدی پس از سعی و کوشش بجهت وصول بقصد ، در مزاج هیئت یا فرد با طبع مورث سستی و رخاوت بوده ، دوره هبوط و انحطاط از همان آن شروع خواهد شد ؛ بتدریج حالت اهمالی ایجاد میشود که ضمیمت تمام و مخالفت کلی با آن حالت اولیه دارد . اینسکه دانای مدبر مال اندیش ، و حکیم با تجربه و خردمند ، راه بدوام و استمرار آن حالت سستی و اهمال نداده ، سعی را محور حیات ، و اهمال را منشأ ممت دانسته آتی از کوشش و سیر نیابستند .

صنعت تاریخ اقوام گذشته و مشهد مل موجوده ، دو دلیل قوی و دو برهان قاطع بر ثبوت این قضیه فکریه است ، که : هرملت و قومی که اندازه سرعت سیر چرخ زمانه را بدست آورده ، در خود ایجاد قوه مقابل همان قوه نمود ، و دائماً به اعمال آن قوه پرداخت ، باوصف تحولات و چرخیدن آن چرخ و فلک ، باز همیشه در عالی ترین مرتبه ها بوده هبوطی پیدا نخواهد کرد . و اگر ملتی قوه خود را قوه همان چرخ فلک دانسته ، بکنگره های سریع الدوران او آویخت ، باطبع و بحکم ضرورت و ناموس چرخ و فلک ، از بلندی به پستی فرود خواهد آمد . و مصداق گهی پشت بر زمین گهی زمین به پشت بوده ، محتمل است که سرعت سیر فلک او را از طاقت خود داری بیدارزد ، بسمت عاو ارفقه درسیه چال عدم

سرنگون گردد. در دفتر قضا مسئول آن سعادت و این بلا قوه عاقله یا هیئت حاکمه می باشد، چه حیات فعالانه او حیات ملت، و موت اخلاقیش ممات اخلاقی آن ملت است. ماهی از سرگنده گردد بی زدم، دانش و فعالیت ایرانیان قدیم همین مملکت ویران، عمران پارسیه وطن همین جاهل ایرانیان امروزی، ضرب المثل تاریخ بوده، این گرفتاران قیود جهالت امروزه، اولاد همان علما و احناف همان حکما و رجال اداره هستند، که دامنه مملکت را تا پشت دیوار چین، و قاب مملکت را به بیزانتهین (اسلامبول) رسانیده، آثار علمیه شان از در و دیوار ایران ظاهر و هویدا است.

از نقش و نگار در و دیوار شکسته

آثار پدید است صنایع عجم را

اینان زایگان همان شیران پیشه شجاعتند که امروزه از روباه بازی خوسعی ترسان و هراسانند. و با وجود آنکه ملیونها جمعیتی را تشکیل میدهند باز اخلاقاً مانند فردی میباشد که در وسط هزارها دشمن اوفتاده بشند! تقو باد بر چرخ گردون تقو * که روبه کند تخت ما آرزو نه، چرخ را چه تقصیر. گر تنعم چند روزی اخلاق ما را تغییر دهد، و شاه و امرا و پیشوایان مسلك تن آسائی و تن پروری را اختیار نموده، پیروی نفس هوس کار نمایند، و در جاده خود پسندی و لمن الملکی فرعونی قدم زن باشند، البته

ای بسا کشور آباد که ویران گردد

آری بتدریج تن پروری در اخلاق ما سرایت کرده، ما را از طریق تربیت و تهذیب اخلاق دور، و ظالم نفس بی تربیت نه، بلکه ذقابل تربیت نفس بزرگان، بزرگانیکه این لفظ پرمعنی، و این لقب شریف

را عبارت از آرایش ظاهری ، و تجملات صوری ، آنها هم بطریق
خونخوارانه میدانستند ، چنان سرمست باده غرور و خود پسندی گشته ،
که قلم شکسته سر این سر شکسته ناتوان عاجز از شرح و بیان است
من عاجزم ز گفتن و خاق از شنیدنش

بتدوی ظلم و جور روا داشتند ، و بی گناه مظلوم مردم را
بزیر تیغ جلاد فرستاده ، گنجینه های ایران را بیغما بردند ، که ملت ،
اسیر زنجیر جهالت ملت ، گرفتار قیود غفلت و عطالت ملت ، دیگر
تب تحمل نیاورده ، پیما نه صبرش لبریز گردیده ، یکمرتبه بغمان آمد ،
دست از آستین انتقام بدر آورده ، آتش انقلاب را دامن زده ، راحت
و آسایش را بر خود حرام کردانید ، تیره ابر بلا باریدن گرفت ، از
خون هزارها جوانان ، کوه و هامون کان لعل و لاله ار گردید ، و
از آن خون ظاهر در بادیه های وحشتناک وطن نهیها تشکیل یافت . آری ،
ای بسا فتنه که برخواست ز پیداری ما

در این مدت انقلاب ، رجال قدیمه (آنهائیکه از آرایش تقلب و
وطن فروشی دامن پاک ماندند) عدم علم و کفایت ، و قسحتی از
رجال جدیده عدم تجربه و درایت خود را در چرخاندن عراده مملکتی
ثبت نمودند . گذشته از این ، اصول فود ایته - (*feodalite*)
اعیان پرسی) که ساحهای دراز مستحکم شده بود ، به تربیت یاقان
بی لقب و امتیاز ، و بعالمان بی درشگه و ساز ره نداده ، کسانی
مصدر امور میشدند که :

شهره گردید بهر شهر خطا کاری ما

مع ذلک مات نا آشنا به اصول اداره کردن مملکت ، باوجود
هزارها موانع خفیه ، و قیود معائنات زمان امتداد باز برای مد

احتیاجات حیاتیة خود متین ترین مسالکی اتخاذ ، و رزین ترین طریقه اختیار نمود و بجلب مستشاران امریک و سوید ، نه فقط بهترین امتحانات فکریه خود را داد ، بلکه اثبات یک حیات میانسیه مستقلانه برای ایران کرد ،

درومان درد های ایران ، مرهم زخمهای ناسور ایران ، دارو بی نوشتاروی جراحات ایران ، همان مستشاران بود .

تمام اهل عالم معترف اند بر اینکه اگر انتریک نه ، بلکه ضدیت عالی روسها و مخالفت علی رؤسشان ، و غرض رانی بعضی از بزرگان نبود ، امروز ایران خیلی از مراحل پر زحمت را طی کرده ؛ با کمال آسودگی بسمت ارتقاء و تکامل روان می گشت ، و لیکن هزار افسوس که یک باره ز هر سلسله پیوند بریدند

آخرین ضربت ، ضربتی که ناموس ملی و دینی ایرانیان را تهتك نمود ، و لطمه که بمفاخر و شئون تاریخیشان ثلمه وارد آورد ، توب خانمان ویران نمای روسها بود که ، آخرین نهال امید ایرانیان را از بیخ و بن بر کند ، یعنی بظلم و عنف مستشاران را طرد کردند . ابرهای تیره و تاریک یاس و حرمان سر تا سر افق ایرانرا فرا گرفت . کل به تاراج رفت و خار ماند . گنج برداشتند و مار بماند

اگرچه از آخرین هیچان ملی بسختی جلوگیری شد ، بازوی ملت بست ، و دشمن بمقاصد دیرینه خود نائل گردید ؛ و نزدیک بود که ایرانی در مفاک ذات ابدی نیست و نابود گردد ، ولی واقعه جانسوز خراسان ، و آه مظلومان و مسم دیدگان آن سامان اثر خودرا بخشید ، و دستی از غیب برون آمد و بادشمن کاری کرد که زبان از میان و تقریر ، و قلم و بنان از تحریرش الکن و عاجز است .

دیدنی که خوف ناهق پروانه شمع را

چندان امان نداد که شب را سحر کند

این واقعه اخیره ایران از الم انگیزترین وقایع و درد افزا ترین حوادثی است که در صفحات تاریخ نقش بست . هر با حس و شرافتی ، و هر با وجدان حقیقت پرستی که این مصیبت آخری ایران را در مقابل چشم بیاورد ، از سر دادن آه و ریختن مرشک حسرت و نرحم خود داری نتواند نمود .

این واقعه اخیره ، عبرت انگیزترین وقایع است که در سر زمین ایران به نمایش در آمد ، و تغییرات فوق العاده به اخلاق ملیه داد ، میتوان گفت که مطالعه تاریخ آن وقعه جان گاه از فرائض اولیه و وظائف ضروریه ملیه هر ایرانی میباشد . تربیت شدگان آن آب و خاک ، و پرورش یافتگان آن کاش پاك می بایست ، برای همیشه تاریخ آن واقعه جگر خراش را در مقابل نظر داشته از خاطر خود محو و فراموش نکنند .

صحیح ترین تالیفاتیکه با دل سوخته ، و جگر افروخته نگارش یافته همانا کتاب - استرنک لینگ آف پرسیا (strangling of persia) است که از اثر خامه آزاد ، یگانه راد مرد حقیقت پرور ، مستر دبلیو مورگان شوستر (mr. w. morgan. shuster) امریکائی خزانه دار سابق دوات علییه ایران میباشد . اگرچه منتهای است که رونق افروز مطبوعات عالم گشته ولی متأسفانه تا این وقت قدم در مرکز پریشان عالم مطبوعات ما نگذاشته است .

چون همواره در این مدت غربت و کربت مترصد بودم که بقدر الوسع خدمت ناآقوبی که از وجود ناچیزم ساخته گردد نسبت به

وطن عزیز و ابناء وطن خود نموده باشم تا مسئول وجدان نباشم پس از دیدن کتاب مزبور گم شده خود را یافته ، به ترجمه آن که یکی از وظایف مهمه و طینه امت اقدام نمودم . با پریشانی حل و پریشانی رورگار ، و عدم تهیه اسباب ، و موانع و عوایق بیشمار ، خصوصاً در غربت و لاسیما در این دبار ، تحمیل زحمات فوق الطاقه نموده وظیفه وجدانی خود را ادا نمودم .

منت خدا ابرا که پس از اتمام ، اسباب طبع هم فراهم آمده بعرضه داشتن این تاریخچه مختصر عبرت آمیز به انظار هموطنان عزیز موفق گشتم . ولی از بیان مطالبی چند ناگزیرم . اولاً چون مبانی اصول کتابت امروزه بر ساده نویسی ؛ و غرض از ترجمه هم آگاهی تمام طبقات ملت بود ؛ لهذا کمال سادگی و نهایت بساطت در این ترجمه ملحوظ شد تا عام النفع باشد ، امید است که مقبول طابع دانشمندان نکته چین واقع گردد .

ثانیاً از آنجائیکه وظیفه مترجم فقط نقل و بیان عقائد صاحب تألیف یا تصنیف است البته بعضی اشخاص بر مترجم اعتراض نخواهند فرمود و اگر ترجمه با اصل تطبیق شود معلوم خواهد شد که باز رعایت نزاکت را از دست نداده ، بعضی از عبارات را که ربط باصل مطلب نداشت ترجمه آن را گذاشته و گذشته ام . گذشته از این شکی نیست که بساحت حیات همیشه معرض تنقید و انتقاد بوده ، کسانیکه دامن پاک و از نشر حقایق بی باکند در مقابل ادبی تنقیدی هزارها خجیبه منطقیه و براهین فلسفیه در پاک دامنی خود اقامه خواهند فرمود ، بلکه از تنقیدی که موجب ظهور پاکدامنی ایشان است سرور خواهند گشت . در این گنبد به نیکی رده آواز که گنبد هرچه گوئی گویدت باز

ثالثاً تصاویری که تعلق و ارتباط تام بهضامین کتاب داشت خصوصاً تصاویر کسانی که در دوره انقلاب مصدر خدمت یا خیانتی نسبت بهسلطنت مشروطه ایران شده بودند فراهم نموده بر تصاویر نسخه اصل انگلیسی افزودم تا این کتاب علاوه بر فقرات تاریخی حاوی مجموعه ای کالکسیونی از ضایعات دوره انقلاب نیز باشد.

(معذرت)

قسمت خفیه مشتمل بر وقعه الم ایلگیز بهبارد مان ارض اقدس و بعضی تصاویر متعلقه به آن که در فهرست مضامین و تصاویر بدان اشارت شده است برای رعایت مقتضیات وقت و محل از درج و اشاعش صرف نظر شد امید است که قارئین محترم معذور دارند

(ابوالحسن الموسوی الشوشتری الجزائری)

﴿ تمهید ﴾

اشتیاق عامه باطلاع وقایع جدیدهٔ ایران و درخواستشان از من نگارش وقایع غریبهٔ عجیبهٔ را که منتج انفصال من از خدمت خزانه داری ایران در ماه ژانویه ۱۹۱۲ شد، تا جائیکه در خاطر دارم، سبب اصلی و علت غائی تصنیف این کتاب گردید *

وقایع و مندرجات ذیل از مآخذ و مجاری بسیار مستند موثق تحصیل شده، و یاد داشته‌های روزنامه (دفتر بنلی) خود که در مدت اقامت در ایران نوشته ام آن را تکمیل می‌نماید. و نیز بعضی توضیحات و اشارات تاریخی که برای تکمیل تفهیم وقایع مزبوره لازم بود بانضمام تشریحاتیکه اظهار آن را مناسب دانسته ام، بر آن افزوده شده است *

بسیار متأسفم که از انجام دادن آن کار عامّ المنفعهٔ پسندیده در آن مملکت قدیمی محروم شدم، لیکن تأسف و تلخکامیکه در وقت حرکت از آنجا در دل داشتم، اکنون بکلی رفع شده است. آن پذیرائی صمیمی شایانیکه در فوریهٔ گذشته هنگام ورود به لندن از من بعمل آمد و نیز احتراماتیکه از طرف جرائد امریکا و هموطنان عزیزم بظهور پیوست، زحمات و مشقتهائیرا که در دو ماههٔ آخر اقامتم در طهران متحمل شده بودم بقسمی جبران و از خاطر محو نمود که اکنون از آن افسردگی اثری باقی نیست *

قلم دبیر و مضمون نگاری مثل مکالی (Macaulay) یا قلم

مونی مصوری مانند فرسجاگن (Ferestchagin) لازمست که شرح و نقشه این بردهای سریع‌الحرکتی را که مستلزم و باعث انحطاط و اقراض آن ملت قدیم شده است، نگارش و تزئین نماید. یعنی پردها و نیرنگ‌هاییکه آن دو دولت مقتدر مسیحی، علی‌الظاهر بصورت تمدن و صداقت و شرافت، و درحقیقت بمکاری و قانون بازی نمایش دادند، بلکه یکی از آن دو دولت برای حصول مقاصد پولتیکی خویش و مایوس نمودن ایرانیان از تجدید حیات خود از ارتکاب مظالم بسیار وحشیانه هم خود داری نکرد.

نتایج اصلی و فوائد حقیقی انسانیت و بهترین روابط بین‌المللی مقتضی و مستلزم آنست که در چنین موارد حقیقت واقع را بیان کنم، لکن وقایعیکه عنقریب ذکر خواهد شد، بدین ملاحظه که مبدا در مواقع دیگر مورد اعتراض و تنقید واقع شود، بدان صراحت که شایسته بود، نه نگاشته‌ام.

این خرابیها و تباهی سلطنت شاهنشاهی ایران، اگر توجه احساسات عالم تمدن را نسبت باین خصایل غارت‌گری بین‌المللی که نشانه و نمونه پوتلیک ۱۹۱۱ عالم است فی‌الجمله منعطف و تند نسازد، زندگان و کشمکش با جدت و جهد و به بعضی تعبیرات، خونبهای مشروطه خواهان ایران حالیه، شاید بکلی بهدر رفته باشد.

﴿ مقل مر ﴾

—:—

بعضی شقوق متعدده مخصوصه در نوشتن حالات جدیده پوتیکی ایران می باشد که فی الجمله توضیحش لازمست *

امر اول اینست که معاملات پوتیکی ایران که عموماً از پریشانی و بدبختی ملیونها مردم بیگناه است ، مثل يك تیاتر بسیار منظم خوبی صورت پذیر میشود * بلکه شنیدهام که بعضی آن معاملات پوتیکی را به [اپراپوفه] (Operabouffe) یعنی تیاتر مسخره آمیز ، تشبیه نموده اند *

قارئین این کتاب خواهند دید که همان اشخاص قدیمی کهنه پرست بلباسهای مختلف پی در پی در نمایشگاه آن تیاتر آمده و پس از نشان دادن پرده مختصری مراجعت می نمایند * مثلاً یکدفعه ملبس بلباس وزیر شاه پرست شده و مرتبه دیگر به کسوت وطن پرستان معروف جلوه ، و کابینه های موهومست که پی در پی تشکیل و بسرعت تمام منحل میشود * و مردمانیکه در مجامع ملی و مجالس قومی دارای مقامات عالیه میباشند در ظرف یکروز بلکه يك ساعت بحضیض گمنامی و محویت تنزل نموده ، همینکه گردش بی پایان آتربیکها آنها را محبوب القلوب عامه می سازد ، باندک فرصتی دو مرتبه باوج ترقی صعود میکنند * تمام اشخاصیکه از طبقه صاحب منصبان و مأمورین دولتی میباشند از همین طراز و بهمین نمونه اند که پیشه و شغلشان منحصر بهمین رویه میباشد ، و قطعاً در ایران این صنف از مردم بالنسبه به سایرین امتیازی دارند *

حقیقه در همین چند سآله اخیره ، این امر ، که کسانیکه از طبقه متوسط

و بی لقبند ، می توانند بهر شغل رسمی مأمور شوند ، جایز و ممکن الوقوع شده است * نصیب و امید واریهای ملیونها رعایای آرام پی صدا در غائب امور موقوف است بمسلك و میل همان صاحب منصبان کابینه ، یا مأمورین و حکام و یا جنرالهای از پیش خود (خیالی) که در هر آن هر طریقه و مسلكی که میخواهند اختیار مینمودند * این امر را هم باید ملتفت بود که باستانی قلیلی از مأمورین دولتی سایر صاحبمنصبان و نمایندگان ، همشان منحصر به متمول گردانیدن خود و دوستان خود بوده است * از این بیان ، افعال و اعمال عجیبه این طبقه محترمین ایران قدری واضحتر میگردد .

بجهت صحت تاریخ معرفت کامل ، درباره شخصانیت و اغراض اینگونه از مردم که اقدامات و اغراض شخصیشان در وقایع جدیده پولتیکی ایران تا درجه دخالت کرده و راه یافته ، لازمست . يك امر دیگر که برای پی اطلاعان ، خصوصاً اجانب بسیار اشکال و پیچیدگی دارد ، اسماء و القابست . عموم ایرانیان فقط دارای اسمی میباشند . لکن از مأمورین بسیار کم کسی را سراغ دارم که لقب نداشته باشد * ندانستن و نشناختن لقب شخصی امر آسانی نیست که بسهولت اغراض از آن نمایند ، چرا که باعث رنجششان خواهد شد . مثلاً شخص محترمی در خدمت پولتیکی امریکا باشد و از پیش خود خود را « سپهسالار سپهسالاران » یا « ممتازالدوله » یا « اقبالالدوله » بخواند * و بعد از اختیار هرچه لقبی و تحصیل فرمانیکه تصدیق آن لقب را بکند ، اسم اصلی خود را ترك کرده و بعد از آن بآن القاب شناخته شوند * برای اجانب و خارجیها بسیار مشکلت که آن القاب را یاد گرفته و بیاموزند ، خصوصاً که اکثر آنها بدیکی از چهار کلمه ، ملك ، دولت ، سلطنت ، سلطان ، ختم میشود .

نایب‌السلطنه حایه اول بلقب ناصرالملکی مشهور بود ، لکن بعد از آنکه بمقام نیابت سلطنت رسید ملقب بلقب نایب‌السلطنه ، یعنی نایب پادشاه شد .

يك اشكال دیگر برای ما دانستن حروف تهجی آن اسماء و القاب و تبدیل آن بحروف اروپائیت که مردم غالباً آنها را مختلف نوشته و از اینجه مختلف تلفظ میشوند

• (مصنف بعضی شواهد و نظائر برای اثبات مسئله فوق نوشته است که دانستن آن برای ایرانیان توضیح واضح خواهد بود باینجه صرف نظر از ترجمه آن شد - مترجم •)

اکثر قارئین محترم از تاریخ قدیم ایران بیشتر واقف و مطلع میباشد ، تا وقایعیکه جدیداً در آن مملکت عجیبه بظهور پیوسته • مقصودم بیان حالات تاریخی ایران نیست ، مگر وجیزه مختصری که ذیلاً نگاشته می‌شود ، متعلق بواقعات انقلابیه ایران که متضمن شد به تشکیل سلطنت مشروطه در عهد سلطنت مظفرالدین شاه ، پنجم اوت ۱۹۰۶ (سیزدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۴) • واقعات پرتیکیکه در این کتاب درج شده تازه ترین وقایعی است که خود من شخصاً در تحصیل آنها سعی و کوشش بسیار نموده ام تا مفید تر واقع شود •

شهادت بسیار قوی که از قرن گذشته راجع بقدرت و خواهش اطلاع ملت ایران از امور عمومی خود بدست داریم ، منع و قدغن مشهوریت که علماء اسلام در خصوص استعمال دخانیات اعلان کرده و مردم فوراً آنحکم را امثال و بحری داشتند • در صورتیکه ازسنه ۱۸۹۱ م (۱۳۰۸ هـ) آن امتیاز حقیقه و رسماً جاری و معمول شده بود • سال قبل از آن ناصرالدین شاه

قاجار امتیاز انحصار خرید و فروش تمام تنباکو و توتونهای ایران را بکمپانی انگلیسی در لندن داد . سرمایه این کمپانی با هیئت شرکاء ششصد و پنجاه هزار لیره انگلیسی بود . امید و احتمال قوی میرفت که منفعت و عایدات سالانه آن انحصار بالغ بر پانصد هزار لیره بشود . بموجب آن قرار داد ربع آن منافع سهم دولت ایران بود ، چه خود شاه و چه وزراء و اهل دربار .

تا آنکه ایرانیانیکه مدتها سهم کشیده و دوچار شکنجه استبداد بودند ، از این فروختن کلیه حقوق و منافع و صنایعشان عاجز و بننگ آمده ، در دسمبر ۱۸۹۱ (جمادی الاولی ۱۳۰۹) بجهت امثال و اجراء احکام شرعیه ، جمیع دکانهای تنباکو و توتون فروشی خود را بسته و باب معاملات را مسدود و قلیانهای خود را شکسته و یا کنار گذارده و جداً ترك استعمال نمودند . در مدت قلیل حیرت انگیزی استعمال تنباکو و دخانیات واقعاً و حقیقهً بکلی موقوف و منروک گردید . این شورش بایندرجه ختم و موقوف نشد ، تا آنکه شاه مجبوراً امتیاز معهوده را بعد از قبول کردن و دادن منسوخ نمود . دولت ایران معادل پانصد هزار لیره بعنوان تاوان و خسارت بسود صدی شش قرض نموده بکمپانی انگلیسی مزبور رد نمود . فائده و سودیکه از آن امتیاز جا برانه غاصبانه عاید ملت گردید ، معادل سی هزار لیره خسارت سالانه سود آن قرضه بود ، که بذمه اینملت بدبخت قرار گرفت .

ناصرالدین شاه بیستم ستمبر ۱۸۴۸ (بیست و یکم شوال ۱۲۶۴) بتخت سلطنت جلوس و در اول مه ۱۸۹۶ (نهم شوال ۱۳۱۳) بعد از تقریباً سلطنت پنجاه سال ، بگلوله شخص مذهبی متعصبی ، میرزا محمد رضا نام کرمانی کشته شد . اگر چه مقصود حقیقی او معلوم نشد

که چه بوده است، ولی غرضش، تعلق و ارتباط تأسی به این عقیده عمومی داشت، که حقوق ایرانیان را بسرعت تمام بخارجیها و اجانب میفروختند.

مظفرالدین شاه قاجار که در آنزمان وایمهد بود، هشتم ژوئن ۱۸۹۶ (بیست و پنجم ذیحجه ۱۳۱۳) بنخت سلطنت جاوس و تا چهارم ژانویه ۱۹۰۷ (هیجدهم ذیقعدہ ۱۳۲۴) سلطنت و در همان سال فوت نمود. تقریباً شش ماه قبل از فوتش که عدم رضایت ایرانیان بواسطه مظالم سلاطینشان پی در پی تزیید یافته، بنای شورش و بلوی و تحریکات علنی را برای تحصیل مشروطیت گذاردند. در ژوئیه ۱۹۰۶ (جمادی الاولی ۱۳۲۴) به تدابیریکه هم عجیب و هم موصل بتقصود بود، کامیاب و نائل گردیدند.

بعد از آنکه پیشوایان مذهبی آنها را بمطالعه حقوق و مخالفت با مظالم درباریان ترغیب و تحریص نمودند، تقریباً شانزده هزار نفر از هر طبقه و هر صنف از اهل طهران در محوطه سفارت انگلیس و مساجد و امکنة دیگر متحصن شدند، و با کمال نظم و متانت سیورسات و ملزومات معاشیه و لوازم حفظ الصحه در آن امکانه برای خود آماده کردند. باین تدابیر ساکتانه، به عزل کردن شاه عین الدوله را که از او شاکی بودند کامران و به آنها سلطنت دستوری قانونی یا مشروطه عطا شد. بعد از کوششهای مختلفه که شاه و وزراء برای درهم شکستن صولت آن طرز اقدامات ملتین بکار برده مجبور بقبول شدند، بملاحظه توهین و رنجشیکه برای درباریان از آن طرز رفتار و حرکات ملتین حاصل شد و از ترس آنکه مبادا تدابیر عملی آنها در مدافعه سخت تر از این گردد، پنجم اوت ۱۹۰۶ (سیزدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۴)

دستخط مشروطه بایشان اعطاء و مردم بر سر خانه و مشاغل معمولی خود مراجعت نمودند .

سلطنت استبدادی قرنهای پادشاهان ایران باین طرز بلوی و و شورش بدون خونریزی مبدل بسلطنت مشروطه گشت . اگرچه آن مشروطه بملاحظات عدیده ناقص بود ، ولی امریکه خیلی منظم بود ، بیداری و اطلاع مردم از حقوق حقیقه خود و عنزم بسیار واسخشان ، برای اینکه هموطنان خود را از آن راهی که از قرون عدیده سلاطینشان بزیرکی و چالاکي آنها را بجانب پراگندگی و متلاشی شدن و تخریب سلطنت میکشاندند ، متصرف نموده و نجات دهند .

از آن حقوق ملی که مجلس با هیئت منخبه ملت بدست آورده بود که در تعیین وزراء و وضع یا تدوین قوانین ، موقع گفتگو داشته باشند ، بزرگترین تغییری در قدرت مستبدانه شاه راه یافت . پس از مراسلات و تبادل افکار و تحصیل (بست) اجتماع دو ملی که در محوطه سفارت انگلیس در اوایل سنبر ۱۹۰۶ (اواسط رجب ۱۳۲۴) واقع شد ، در اوایل اکتوبر ۱۹۰۶ (اواسط شعبان ۱۳۲۴) انتخابات و کلاه شروع و تاریخ هفتم همان ماه (هیجدهم شعبان ۱۳۲۴) بدون انتظار ورود و کلاه ولایات ، اولین مجلس در طهران افتتاح و نطق شاه خوانده شد .

چهارم ژانویه ۱۹۰۷ (هیجدهم ذیقعد ۱۳۲۴) مظفرالدین شاه فوت نمود و محمد علی میرزای ولیعهد که در تبریز اقامت و حکومت ایالت زرخیز معظم آذربایجان را داشت ، شاه شد . این شخص بی شرف هفدهم دسبر ۱۹۰۶ (سلخ شوال ۱۳۲۴) وارد طهران گردید . آنوقت شاه بسیار سخت مریض بود ، نوزدهم ژانویه ۱۹۰۷ (چهارم

ذیحجه ۱۳۲۴) بنخت نشست * قبل از آن تمهید کرده بود که اساس مشروطه و حقوقی را که پدرش بملت عطا نموده باقی و برقرار بدارد * محمد علی شاه قاجار شاید شخص حیاتب و گمراه و بی آبرو و موذی ترین جانور قرنهای عدیده بود که تحت سلطنت ایران را ملوث ساخت * از ابتدای اقتدارش رعایای خود را به بی عزتی و حقارت نظر می نمود و بسبب داشتن معلم روسی بد ذاتی برای پایمال و لگدکوب کردن حقوق ملت بسهولت تمام نایب الحکومه و آله اجرای مقاصد دولت روس و سفیرش در ایران شده بود *

دوره سلطنت محمد علی شاه بطریقه بسیار منحوسی آغاز و با کمال نخوت، بی اعتنائی بمجلس می نمود * آن بد گمانی و مخالفتهای عانی طرفین عمومیت پیدا کرده و مجلس مصمم شد که بعضی از آن اقتداراتی که بزحمت زیاد تحصیل نموده بکار برد * شاه با هرازان محبوبش که وزراء و درباریان ارتجاعی بودند، عزم جزم نمود که تمام قوای جابرانه و مستبدانه سابق خود را که خاندان قاجاریه بآن متصف و مشهور بودند، بکار برده و برخلاف رعایا و اهل مملکت خود با مأمورین دولت روس سازش و آتریک نماید * حقیقتاً با روس و انگلیس برای استقراض چهار صد هزار لیره که موافق میل و رضای خود صرف و تلف نماید، محرمانه قرار داد نموده بود * ولی آن قرار داد مستور بانك زمانی مکشوف و بواسطه ممانعت و اقدامات ملأها و مجلس از تکمیل و انجام آن محروم شد *

و کلاء مجلس بیشتر از پیشتر یقین حاصل نمودند که شاه و پارتیهایش، ایشان را مخالف اراده و پیشرفت مقاصد خود میدانند، باین جهت و کلاء عازم شدند که اقتدارات خود را در اصلاحات